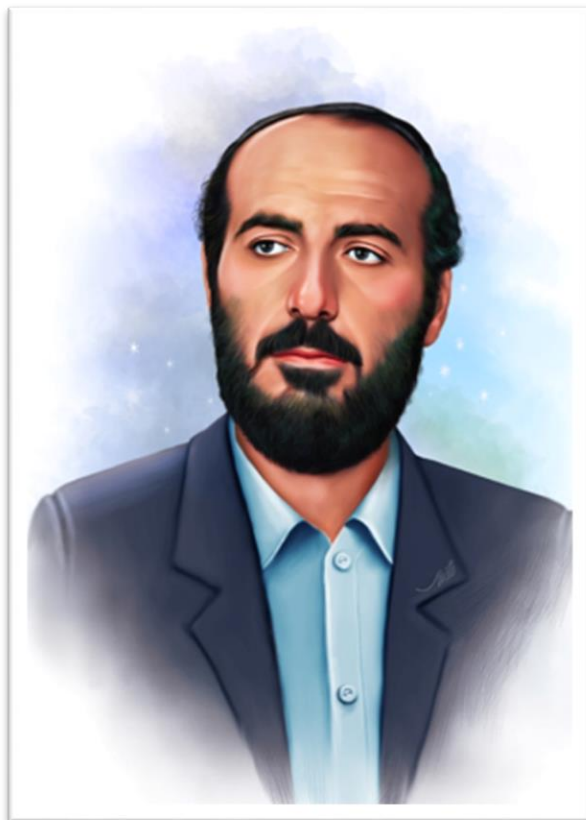


شهید عبدالکریمی؛ منادی ولایت مداری و پاسدار انقلاب اسلامی



دکتر شهید سیف‌الله عبدالکریمی منادی ولایتمداری و پاسدار انقلاب اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد بود که در انفجار حزب جمهوری به همراه شهید بهشتی به شهادت رسید .

روز هفتم تیر ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب نیرومندی در سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی رئیس دیوان عالی کشور همراه با ده‌ها تن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کشور به شهادت رسیدند.

این حادثه از جمله اقدامات تروریستی سازمان مجاهدین خلق -منافقین - در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب محسوب می‌شود، شهید بهشتی در اجلاس دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی همراه با جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مقامات دولتی از جمله معاونین وزارتخانه‌ها در حال تبادل نظر با یکدیگر در زمینه مشکلات کشور بودند.

زندگینامه شهید عبدالکریمی

شهید سیف الله عبدالکریمی کومله در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی در یک خانواده روستایی در کومله از توابع شهرستان لنگرود متولد شد و در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد و دوران ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید و پس از آن به سبب علاقه و اشتیاقی که به کسب علوم دینی و فقهی داشت، رهسپار قم شد.

علوم مقدماتی و ادبیات را نزد استادان حوزه فرا گرفت و پس از آن برای آموختن اصول فقه در کلاس درس استاد آیت الله محمدی گیلانی (حفظه الله) حاضر شد.

وی علوم عقلی و فلسفه را در محضر آیت الله انصاری شیرازی آموخت، سیف الله عبدالکریمی همزمان با فراگیری علوم حوزوی، تحصیلات متوسطه خود را در نوبت شبانه ادامه داد و در سال ۴۲ در دانشکده الهیات تهران پذیرفته شد و در همان ایام نیز ازدواج کرد.

شهید عبدالکریمی ضمن تحصیل از محضر علامه شهید آیت الله دکتر مطهری و شهید آیت الله دکتر مفتح نیز بهره گرفت، وی به زبان عربی مسلط بود و به زبان انگلیسی نیز آشنایی زیادی داشت، عبدالکریمی برای تامین هزینه های تحصیلی و زندگی، چندین ساعت در هفته در یکی از مدارس خصوصی تدریس می کرد.

او با هوش سرشاری که داشت توانست مقطع کارشناسی را با نمرات بسیار عالی طی کند و در پایان به عنوان شاگرد ممتاز دانشکده معرفی و قرار شد که برای ادامه تحصیل به او بورس تحصیلی پرداخت کنند.

از آنجا که عبدالکریمی، دانشجویی متدین و آزاده بود، حاضر نشد که هر آن چیزی را که رژیم پهلوی می خواهد انجام دهد، لذا به خدمت سربازی فراخوانده شد و او را به بدترین نقطه از نظر نظامی - در آن زمان - یعنی منطقه نوسود که محل درگیری ایران و عراق در آن دوره بود منتقل کردند.

او بعد از مدتی به تهران منتقل و موفق شد در آزمون کارشناسی ارشد دانشکده الهیات تهران در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شود. در سال ۱۳۵۰ هـ.ش با مدرک کارشناسی ارشد به استخدام وزات آموزش و پرورش درآمد و در شهرستان لاهیجان مشغول خدمت به فرزندان ایران شد.

پس از تأسیس و افتتاح مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) به مدت دو سال در کادر علمی و آموزشی با این واحد دانشگاهی همکاری داشت و دروس معارف اسلامی و تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران را تدریس کرد. وی در سال ۱۳۵۴ به دانشگاه مشهد منتقل و مدت یکسال در آنجا مشغول تدریس شد.

شهید عبدالکریمی و آغاز نهضت انقلاب اسلامی

روحیه حق طلبی شهید سیف الله عبدالکریمی از او مردی مبارز و اهل پیکار با ظالمان ساخته بود و او دنبال چراغی می گشت که راه را بر او نمایان سازد.

در پی حضور در حوزه علمیه و انس با شهیدانی چون مطهری و مفتاح با اندیشه های امام خمینی (ره) آشنا شد و به واسطه همین تعالیم بود که سازش با ستمکار را ننگ می دانست و قدم در راهی که نهایت آن طاغوت باشد نمی گذاشت. عبدالکریمی مبارزه منسجم خود را با برپایی جلسات سخنرانی و حضور در فعالیت های مذهبی و برنامه های سیاسی اسلامی قوت بخشید.

بیشتر اوقات شهید در تشکل ها و انجمن های سیاسی مسلمان که بطور مخفی و بعضاً در قالب هیئت مذهبی بود طی می شد و در سال های ۵۰ تا ۵۴ با کوشش فراوان تا حدودی به آرزوهای خود که همانا بیدار نمودن افکار عمومی در برابر ستم و ظلم رژیم شاهنشاهی بود دست یافت و مردم شهرهای لاهیجان و لنگرود را بیش از گذشته با اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) و اهداف نهضت ایشان آشنا کرد.

ساواک رفته رفته پی به بعضی فعالیت های شهید برده بود و با احضار او به ساختمان های مخوف و بی نام و نشان خود، ضمن تهدید و شکنجه از او می خواست تا از فعالیت های سیاسی اسلامی دست بردارد.

یکسال پس از انتقال به دانشگاه مشهد و تدریس علوم دانشگاهی، عمال رژیم به علت حضور گسترده او در جلسات و انجمن های سیاسی تحت اشراف روحانیت مبارز، او را از دانشگاه مشهد اخراج کردند و به لاهیجان بازگشت.

او این بار رسالت خود را در مدارس شهر لاهیجان دنبال کرد، با افزایش مبارزات مردمی و گسترده شدن دامنه اعتصابات ضد رژیم، شهید سیف الله عبدالکریمی، فعالانه و علنی اعلامیه ها و پیام های امام و مقتدای خود را در سطح شهر بویژه مدارس و موسسات آموزش عالی توزیع می کرد.

او نقش مؤثری در برپایی تظاهرات، جلسات سخنرانی سیاسی و اعتصابات و تعطیلی بازار و ادارات و مدارس داشت و در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به آرزوی خود که همانا تحقق حکومت علوی در مقیاس سیره نبوی تحت رهبری فرزندان پاک از تبار آفتاب بود نائل آمد و آماده شد تا با عظمتی سترگ از آرمانها و ارزش های متعالی نهضت عاشورایی حضرت امام خمینی (ره) پاسداری کند.

انقلاب اسلامی و صیانت از دستاوردهای آن

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، فصل نوینی از مبارزات و جهاد در راه مکتب برای شیفتگان خدمت مهیا شد. سیف الله عبدالکریمی که خود را دانش آموخته مکتب امام خمینی (ره) می دید، در این مرحله نیز خوش درخشید و صفحات گرانبهایی را بر کارنامه درخشان خود افزود.

با تشکیل کمیته انقلاب اسلامی، وی به عنوان مسئول این نهاد انقلابی در شهرستان لنگرود منصوب شد و توانست خدمات قابل توجهی را در ارتقاء ضریب امنیت و نیز برخورد با منافقین و گروهک های ضد انقلاب ایفا نماید. با بازگشایی دانشگاه ها و مدارس، دانشگاه مشهد از او برای تدریس در دانشکده الهیات دعوت کرد.

او که آموختن و آموزش دادن را بسیار دوست داشت و به آن عشق می ورزید، از پذیرش مسئولیت های اجرایی پیشنهادی امتناع کرد و برای بیمه کردن اذهان دانشجویان این مرز و بوم در برابر جریانهای فکری منحرف به دانشگاه مشهد رفت و در گروه مبانی تشیع و ادیان و مذاهب دانشکده الهیات و معارف اسلامی به تدریس و دفاع از شریعت اسلام و فقه جعفری پرداخت. او همچنین به عضویت در حزب جمهوری اسلامی که در آن مقطع پایگاه مناسبی برای ایستادگی در برابر ضد انقلاب و قدرت های امپریالیستی بود درآمد و با آنان نیز محشور شد.

شهید عبدالکریمی و سنگر مجلس

در آستانه برگزاری نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، گروه کثیری از مردم لنگرود از عبدالکریمی خواستند که نامزد انتخابات شود و اجازه ندهد ناهلان وارد خانه ملت شوند. سیف الله عبدالکریمی برخلاف میل باطنی و تنها به سبب احساس تکلیف شرعی و انقلابی، این پیشنهاد را پذیرفت. وی در برگزاری انتخابات کمترین تبلیغات را میان رقبای خود داشت و معتقد بود: پول و سرمایه نمی تواند در اندیشه های اسلامی و انقلابی مردم تأثیر گذار باشد.

با شمارش آراء و اعلام نتایج، سیف الله عبدالکریمی وکیل مردم لنگرود در قوه مقننه شد.

او همه تلاش خود را برای اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بکار بست و اعتقاد داشت: «من روی خون ۷۰ هزار شهید نشسته ام، انتظار ندارم که چهار سال دوره نمایندگی خود را در مجلس شورای اسلامی تمام کرده و برگردم، من شهادت را احساس می کنم و امید دارم به این آرزو برسم».

شهید منادی ولایت‌مداری

شهید عبدالکریمی به معنای واقعی کلمه جایگاه ولی فقیه را می‌شناخت و اطاعت از آن را اطاعت از رسول و پروردگار جهانیان می‌دانست.

او در بخشی از نطق پیش از دستور یکصد و چهارمین جلسه علنی مجلس در تاریخ ۱۸/۱۱/۱۳۵۹ درباره جایگاه ولایت فقیه و رهبری حضرت امام خمینی(ره) و اطاعت از ایشان چنین می‌گوید: «... پاره ای دانسته یا نادانسته تصور می‌کنند که سخنان و خط امام از متشابهات است اما برای اکثریت قاطع امت، خط امام و اندیشه روشن ایشان و سخنان بیدارگرش از محکومات است.

ما امام را ادامه دهنده راه انبیاء می‌شناسیم، همانگونه که انبیاء در تاریخ به زبان قوم خود سخن می‌گفتند سخنی که همه توده‌ها، همه مردم به روشنی آن را فهمیدند و به کار بستند.

امام نیز اینگونه با مردم سخن می‌گویند. پیامبر اسلام(ص) نیز سخنی همه فهم برای مردم بیان می‌فرمودند: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»، هیچ پیامبری از ناحیه حق برگزیده نشد مگر آنکه آن پیامبر آشنا به زبان قوم سخن گفت.

سخنی که همه آن را فهم کردند... ما معتقدیم «منزلۃ الفقیه فی هذا الوقت کمزله الانبیاء فی بنی اسرائیل» ... این بینش اسلامی ما است، ... آری [ما معتقدیم] امام در میان ما چون نبی است از انبیاء بنی اسرائیل [بنابراین] با امام ستیزه نکنید و به خود اجازه ندهید که در برابر رهنمودهایش اعلامیه منتشر بکنید...»

سیف الله عبدالکریمی که صفحات روزگار را برای تسلیم در برابر رضای دوست ورق می‌زد، سرانجام در هفتم تیر سال ۱۳۶۰ در حزب جمهوری اسلامی و بر اثر بمب‌گذاری منافقین ملعون، وعده الهی را مشاهده کرد و در مقام «عند ربهم یرزقون» حضور یافت.

مدیریت فرهنگی و فعالیت‌های داوطلبانه

دانشگاه فردوسی مشهد